



انترناسیونال ۴۲۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۲ مهر ۱۳۹۰، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در تظاهرات جهانی ۱۵ اکتبر شرکت کنید: "۹۹ درصدی ها" برای تغییر جهان پیامیخیزند!

صفحه ۱۲



جنبش اشغال وال استریت! "سرمایه داری جنایت سازمان یافته است، سرمایه داری را لغو کنید!"

محسن ابراهیمی

جنبشی که در ایران ۸۸ شروع شد، در مسیر خود در تونس و مصر و لیبی سه دیکتاتور را به پایین کشید؛ در سوریه و یمن و بحرین مشغول نبردی خونین است؛ در یونان و اسپانیا و فرانسه و انگلستان و اسرائیل به نمایش قدرتمندی دست زد؛ امروز گامهای بلندش را به آمریکا، سمبل سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه داری گذاشته است. این جنبش جهانی، امروز در شکل جنبش "اشغال وال استریت"، پنجه های قدرتمندش را بر گلوگاه گردن کلفت ترین مرکز مالی سرمایه جهانی حلقه زده است. جوانان، کارگران، زنان، تهیدستان و تحقیر شدگانی که سالهای طولانی زیر پای قدر قدرتی سرمایه له میشدند، امروز به همه جلوه های سرمایه داری جهانی تعرض کرده اند. این درد مشترک میلیاردها گرسنه و بی خانمان و تحقیر شده است که به فریاد مشترک تبدیل شده است و طنین اش همه جهان نابرابر سرمایه داری را فرا گرفته است.

هنوز در اروپا و آمریکا انقلابی نشده است. اما میتوان گفت که این شبخ همان انقلابات منطقه است که بر فراز آتن و مادرید و لندن و تل آویو چرخ میزد و امروز بالای سر وال استریت در گشت و گذار است. طنز اوضاع را نگاه کنید. اگر از شارلاتانهای هفت خط سیاسی که به نام مفسرین معتبر، تلاش کردند دول غرب را حامی

صفحه ۲

مصر در مقابل یک دوراهی!



احمد فاطمی

یکشنبه نهم ماه اکتبر ارتش مصر آشکارا و بدون پرده پوشی ماهیت واقعی خود را نشان داد. در میدان تحریر خودروهای زرهی وحشیانه و عامدانه تظاهرکنندگان را زیر چرخهای خود له کردند و آنها را به رگبار بستند. در نتیجه این وحشیگری در حدود ۳۰ نفر کشته شدند و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح.

ما این جنایت ارتش مصر را قویاً محکوم می کنیم، به خانواده و صفحه ۱۰

صفحات دیگر

پنجم نوامبر: روز جهانی اعتراض برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران!
کارگران شرکت پیمانکاری پتروسینا در پتروشیمی آبادان از حدود یک ماه پیش در اعتصاب بسر می برند

دانشجویان یکمصد در دفاع از حرمت انسانی و علیه تفکیک جنسیتی

صفحات ۶ و ۹

کارگران پتروشیمی بندر امام به اعتصاب خود پایان دادند کارگران باید در مقیاس کلان آماده

صفحه ۹

روزهای مبارزه علیه جمهوری اسلامی در تورنتو مصاحبه با یدی محمودی

صفحه ۷

بازتاب هفته

تجاوز و قتل عمد دولتی

پرونده ای جدید از تروریسم جمهوری اسلامی

مدرسه یا اندرونی و زندان

بهر روز مهر آبادی

تحولات منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

"جناب سروان تا کی اینجا هستید!"

یاشار سهنندی

صفحات ۴ و ۵ و ۶

از صفحه ۱

جنبش اشتغال وال استریت!

انقلابات منطبقه معرفی کنند بگذریم، هر انسان آگاه و شریف میداند که این دولتها در کنار "انقلابات" قرار گرفتند تا بتوانند در مقابلش قرار گیرند. درست در لحظه سقوط دیکتاتورهای مورد حمایتشان، پشتشان را خالی کردند تا زیر پای کل نظام خالی نشود. این یک تاکتیک حسابگرانه سیاسی بود در خدمت استراتژی بقا نظام سرمایه داری. دیکتاتورها رفتند اما دیکتاتورها صرفا سمبلهای فردی نظامی بودند که وجودش و ادامه حیاتش منوط به پایمال کردن "نان و آزادی و حرمت انسانی" است. مگر نه این است که دیکتاتورهای منطقه، مدیران سیاسی ای بودند که در راس حکومتها سرمایه داری منطقه، نقش مدیریت دوشین ارزش اضافی از گرده طبقه کارگر منطقه را به عهده داشتند؟ مگر نه این است که شغل اینها سازمان دادن تحمیل ریاضت اقتصادی بر کارگران بود تا سود سرمایه لطمه نخورد؟ کشورها متنوع بودند، دیکتاتورها فرق میکردند، اما نظامها همه سرمایه داری بودند و بخشی لینتک از نظام سرمایه داری جهانی. عصبانیهایی که در این مناطق خود را در قالب خشم و نفرت از دیکتاتورها نشان داد، در اصل عصبان علیه نظامهایی بود و هست که با هزار رشته به بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، صدها نهاد بانکی و مالی جهانی متصل هستند. آن خطی که میدان آزادی تهران و میدان تحریر قاهره را به میدان خورشید مادرد و پارک آزادی در مقابل وال استریت وصل میکند، فقط و فقط یک واقعیت است. اینکه هم سرمایه داری جهانی است و هم مبارزه علیه سرمایه داری جهانی است. سرمایه چنگالهای چرکینش را بر گلو میلیاردها انسان در اقصی نقاط جهان فرو برده است و میلیاردها انسان هم مصمند این چنگالها را در هم بشکنند. جنبشهای اعتراضی در مراکز دول غرب و جنبش اشتغال وال استریت، جلوه های دیگری از جنبش انقلابی ۸۸ تهران و انقلابات تونس و مصر و... است که اگر چه ویژگیهای

خود را دارند اما در یک چیز مشترکند: عصبان علیه بربریتی که سرمایه داری بر زندگی مردم حاکم کرده است. عصبان علیه دنیای سراپا وارونه سرمایه داری.

در پایین، به جوانب و جلوه های متنوع جنبش "اشتغال وال استریت"؛ به ترکیب جمعیتی، خواسته ها، شعارها، روشها و... دقت میکنیم تا به تصویری دقیق از این حرکت شورانگیز تاریخی برسیم.

حرکتی خودجوش:

یک تجمع چند صد نفره اولیه امروز به جنبشی عظیم به نام "جنبش اشتغال وال استریت" منجر شده است. جنبشی که دهها هزار نفر را در نیویورک و صدها هزار نفر را در صدها شهر آمریکا به تحرک واداشته است و قرار است در ۱۵ اکتبر صدها شهر در جهان را در بر بگیرد. این فقط یک حقیقت را نشان میدهد. توده های لگدمال شده جان به لب رسیده زیر پاهای نظام نابرابر سرمایه داری منتظر جرقه هستند. و همین توده های تحت ستم، مرکز مالی جهان سرمایه داری را به مرکز اعتراض به این نظام تبدیل کرده اند. امروز، وال استریت، این تجسم و تبلور ثروت و رفاه و دزدی و فساد مالی سرمایه داری به اشتغال قربانیانش در آمده است. قربانیان سرمایه داری آمریکا، در جنبش "اشتغال وال استریت" به معترضینش تبدیل شده اند. قربانیان سربلند کرده اند.

اکثریت متحد!

به ترکیب جمعیت هزاران نفره نگاه کنید، در صف جنبش "اشتغال وال استریت" چه کسانی را میبینیم؟ زیر پای آسمانخراشهای وال استریت، جایی که با یک چرخش قلم (امروز البته با یک کلیک در کی بورد کامپیوتر) ثروتهای نجومی در میان دلان بورس جابجا میشود، انسانهایی جمع شده اند که به نام ریاضت اقتصادی، همین دیروز مالیاتشان را دمکراسی آمریکا (دولت طبقه سرمایه دار) بالا کشید و مستقیما به حلقوم بانکها و نهادهای مالی ریخت تا از

ورشکستگی نجاتشان دهد. کسانی جمع شده اند که کارشان را از دست داده اند، خانه هایشان توسط بانکها بالا کشیده شده است، بیمه بازنشستگیشان در معرض خطر است، از وام دانشجویی محروم شده اند، از بیمه بهداشت و درمان محروم شده اند. و اینها کسانی هستند که درست در اوج بحران مالی، در اوج تبلیغات شنیع دولت که باید کمربندها را سفت کرد، در اخبار خواننده اند که مدیران گردن گلفت همین بانکها و نهادهای مالی مزایای میلیونی به خودشان اختصاص داده اند. از امکانات

اجتماعی و خوراک و سرپناه و حمل و نقل و درمان و بهداشت کارگران زده اند و درست در همان لحظه خودشان با جتهای خصوصی بازیهای گلف سازمان داده اند. "اشتغال وال استریت"، دانشجویان و جوانان نا امید از آینده را در کنار پیرزنان و پیرمردان بازنشسته ای که رنج و تلاش سالهای طولانیشان به یغما رفته است در کنار هم قرار داده است. اشتغال وال استریت، جمعیت عظیمی که به صف ارتش ذخیره بیکاران پرتاب میشوند را با جمعیت عظیم کارگری که نگران از آینده شان هستند در کنار هم قرر داده است.

(رهبران اتحادیه های کارگری به این جنبش پیوستند و در سخنرانیهایشان اعلام کردند که شما به ما راه را نشان دادید. معلوم کردید که باید به خیابان آمد. فضای رادیکال اعتراض به نظم موجود، اتحادیه های کارگری

نهادی شده آمریکا را هم تکان داده است. این خیر خوبی برای طبقه کارگر آمریکاست که قربانی مستقیم تعرض چند دهه گذشته سرمایه بوده است.) اشتغال وال استریت، فعالین شریف علیه جنگ و بیتنام، فعالین جنبش حقوق مدنی را در کنار دختران و پسرانشان قرار داده است که دیروز به میلناریسم سرمایه داری آمریکا در عراق معترض بودند و امروز در مقابل مرکز مالی طبقه حاکم پیا خاسته اند. جنبش اشتغال وال استریت، آزادیخواهان، برابری طلبان، انساندوستان شریف جامعه آمریکا در مقابل نابرابری و فساد حاکم را متحد کرده است. برای اعتراض به نابرابری اقتصادی و

ورشکستگی نجاتشان دهد. کسانی جمع شده اند که کارشان را از دست داده اند، خانه هایشان توسط بانکها بالا کشیده شده است، بیمه بازنشستگیشان در معرض خطر است، از وام دانشجویی محروم شده اند، از بیمه بهداشت و درمان محروم شده اند. و اینها کسانی هستند که درست در اوج بحران مالی، در اوج تبلیغات شنیع دولت که باید کمربندها را سفت کرد، در اخبار خواننده اند که مدیران گردن گلفت همین بانکها و نهادهای مالی مزایای میلیونی به خودشان اختصاص داده اند. از امکانات اجتماعی و خوراک و سرپناه و حمل و نقل و درمان و بهداشت کارگران زده اند و درست در همان لحظه خودشان با جتهای خصوصی بازیهای گلف سازمان داده اند. "اشتغال وال استریت"، دانشجویان و جوانان نا امید از آینده را در کنار پیرزنان و پیرمردان بازنشسته ای که رنج و تلاش سالهای طولانیشان به یغما رفته است در کنار هم قرار داده است. اشتغال وال استریت، جمعیت عظیمی که به صف ارتش ذخیره بیکاران پرتاب میشوند را با جمعیت عظیم کارگری که نگران از آینده شان هستند در کنار هم قرر داده است. (رهبران اتحادیه های کارگری به این جنبش پیوستند و در سخنرانیهایشان اعلام کردند که شما به ما راه را نشان دادید. معلوم کردید که باید به خیابان آمد. فضای رادیکال اعتراض به نظم موجود، اتحادیه های کارگری نهادی شده آمریکا را هم تکان داده است. این خیر خوبی برای طبقه کارگر آمریکاست که قربانی مستقیم تعرض چند دهه گذشته سرمایه بوده است.) اشتغال وال استریت، فعالین شریف علیه جنگ و بیتنام، فعالین جنبش حقوق مدنی را در کنار دختران و پسرانشان قرار داده است که دیروز به میلناریسم سرمایه داری آمریکا در عراق معترض بودند و امروز در مقابل مرکز مالی طبقه حاکم پیا خاسته اند. جنبش اشتغال وال استریت، آزادیخواهان، برابری طلبان، انساندوستان شریف جامعه آمریکا در مقابل نابرابری و فساد حاکم را متحد کرده است. برای اعتراض به نابرابری اقتصادی و

تحقیر اجتماعی و فساد سیاسی، چه مکانی بهتر از مرکز مالی وال استریت که سمبل و تجسم مالی نظامی است که منشا همه این جنایات و فساد و نابرابری است؟ پلاکاردهای خود جوش، شعارهای رادیکال هم شکل و هم مضمون پلاکاردها در مقابل وال استریت جای شکی باقی نمیگذارد که ما اینجا با یک جنبش اصیل توده ای، کارگری و رادیکال مواجه هستیم که وضع موجود را به چالش کشیده است. به هزاران پلاکاردها در دستان معترضین نگاه کنید. هر کس حرف دلش را با دستخط خود روی مقوایی نوشته و به خیابان آورده است. معلوم نیست چه تعداد از شرکت کنندگان این اعتراض با مارکس و مانیفست آشنا هستند، اما وقتی به شعارها دقت میکنید انگار از مانیفست کمونیست الهام گرفته اند.

"سرمایه داری،

جنایت سازمان یافته است"

این شعار را توده های عادی زحمتکش در کشوری به دست گرفته اند که سالهای طولانی به نام دمکراسی و آزادی فردی و فرصتهای طلایی، محصول کار و تلاششان توسط همان بانکداران و قماربازان بیرحم بورس به یغما رفته است. کشوری که به نام آزادی فردی، سالهای سال حلقه ای از میلیاردرها و بانکداران و سیاستمداران شیادی مثل ریگان و بوش و نظریه پردازان شیادتری مثل میلتون فریدمن بر آن حکمرانی کرده اند. در کشوری که در عین لگد مال کردن توده های

تهیدست، همچنان خود را مظهر و تجسم فرصت های طلایی برای همه افراد بشر قالب زده است. مشهور است که مردم آمریکا، بیشتر از هر کشور سرمایه داری، تحت تاثیر و تسلط افکار و تصویر طبقه حاکم هستند و بیشتر از هر کشور دیگر غرب، غرق خرافه هستند. دقیقا به همین دلیل، بلند کردن این شعار در قلب مالی سرمایه داری آمریکا، نشانه ای از یک زلزله سیاسی در افکار طبقات محروم علیه نظام سرمایه داری است. معترضین به جنایت سازمان یافته کاپیتالیسم

شعارهای دیگری هم در دست گرفته اند حاکی از عمق نفرت طبقاتی علیه نظم نابرابر حاکم است: "طعم کمپانیها مساوی است با فلاکت بشر!" این یک دهن کجی آشکار در مقابل تبلیغات ایدئولوژیهای راست دون صفت سرمایه داری است که گویا کمپانیهای سرمایه داری رشد اقتصادی و شغل و رفاه به ارمغان می آورند. "ایا من بشر هستم یا باید پول بیشتری بسازم؟" یک طنز تلخ علیه این حقیقت سرمایه داری که بشر را برده پول کرده است. بشر را وسیله و پول را هدف اعلام کرده است. یک خرده دلال بورس در مصاحبه ای با بی بی سی گفت که همه میتوانند از قبل بحران مالی پول بسازند و دلان بورس هر شب با رویای یک بحران دیگر به خواب میروند! چه کسی نمیداند که روی دیگر این رویای دلان، کابوس میلیون انسان دیگر است که معمولا از درون بحرانها به عنوان توده بیکار و بی سرپناه و گرسنه به خیابانها پرتاب میشوند. حرف این خرده دلان بیان ساده و بی شیله بیله افکار و اعمال سلاطین مالی وال استریت است که آگاهانه و سازمان یافته بحران اعتبار سال ۲۰۰۸ را خلق کردند. "نیازهای انسانی، نه نیازهای کمپانیها". این اعلام صریح این حقیقت است که در جامعه سرمایه داری، نیازهای سرمایه در یکطرف است و نیازهای انسانی در طرف دیگر. اینها نمیتوانند مکمل هم باشند. نیاز سرمایه منوط به پایمال کردن نیازهای انسانی است. نیازهای انسانی زمانی تحقق مییابد که نیاز سرمایه زیر پا گذاشته شود. "این جامعه کار نمیکند، بیایید جامعه دیگری بسازیم!"

صفحه ۳

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

از صفحه ۲

جنبش اشغال وال استریت!

که "تجاوز به بشریت را پایان دهید". و البته خودشان دست به کار شده اند تا تجاوز کاپیتالیسم به بشریت را پایان دهند.

"سرمایه داری را لغو کنید"

جنبش اشغال وال استریت با این شعار اعلام میکند که به این حقیقت واقف است که تجاوز کاپیتالیسم به انسانیت نمیتواند در عین حضور سرمایه داری پایان یابد. جنبشی که کاپیتالیسم را جنایت سازمان یافته اعلام میکند؛ کاپیتالیسم را مغایر با نیازهای انسانی میداند، آثر مسبب فلاکت بشر میداند، مجبور است استراتژی رهاییش را هم لغو کاپیتالیسم اعلام کند.

"جنگ با کارگران را متوقف کنید"

این خطاب به طبقه سرمایه دار میلیاردی است که پیش از بحران شیره جان کارگران را می مکید و هنگام بحران، از طریق کنگره و پارلمان و کاخ سفید و همه دم و دستگاه دولتی به معیشت کارگران هجوم برد تا سودآوری سرمایه را حفظ کند. این جنگی آشکار علیه کار و معیشت طبقه کارگر است. امروز کارگران و بیکاران و تهیدستان و له شدگان، این جنگ را متقابلاً به مقابل یکی از سنگرهای متعفن سرمایه داری، مرکز مالی وال استریت کشانده اند. "جنبش اشغال وال استریت"، این شعار را فقط به عنوان یک خواسته به میان نکشیده است. با اشغال وال استریت جنگ با سرمایه داران را شروع کرده است. دست بکار شده است تا جنگ علیه کارگران را خود متوقف کند.

"پلیس ابزار ثروتمندان است"

"اشغال وال استریت" با این شعار عمق آگاهی طبقاتی اش را به رخ میکشد. اعلام میکند که میداند پلیس که ظاهراً ابزار حفظ امنیت جامعه است، در واقع ابزار طبقه حاکم است. میداند که پلیس اصلی ترین سازمان سرکوب طبقاتی است. "اشغال وال استریت" یک اعلام جنگ متقابل علیه تعرض طبقه سرمایه دار به معیشت نان و آزادی و حرمت جامعه است. جنگی که در جریان بحران مالی-اعتباری ابعاد وحشیانه تری به خود گرفت. همان پلیس که ظاهراً مسئول حفظ امنیت جامعه

فریه شده اند و در جریان بحران مالی، همراه با سیاستمداران فاسد کنگره و سنا و کاخ سفید، چپ و راست اعلام میکردند که این کمپانیها بزرگتر از آن هستند که شکست بخورند. به زبان آدمیزاد، یعنی سرنوشت کار و خانه و معیشت ۹۹ درصد به سرنوشت این کمپانیهای عزیز گره خورده است و نباید گذاشت شکست بخورند. جنبش اشغال وال استریت با این شعار جواب شارلاتنهای وال استریت و حامیان سیاسی اش را میدهد. و بالاخره جنبشی که این چنین به قدرت ۹۹ درصدی اش واقف است حق دارد این اعتماد به نفس سیاسی را به عزم سیاسی تبدیل کند و اعلام کند "ما تسلیم نمیشویم!"

مجمع عمومی

"جنبش اشغال وال استریت"، تصمیماتش را در مجمع عمومی میگیرد. آن سنتی که در میدان تحریر قاهره آغاز شد و در میدان خورشید مادرید ادامه پیدا کرد امروز در مقابل وال استریت به یک شکل روتین تصمیم گیری تبدیل شده است. مجمع عمومی امکان میدهد که روحیه و فضا و رادیکالیسم حاضر در میان توده های خشمگین و معترض در تصمیمات جنبش منعکس شود. مجمع عمومی جایی برای مذاکرات پشت پرده باقی نمیگذارد. مجمع عمومی، امکان میدهد ابتکارات شگرف توده های شرکت کننده به تصمیمات مبتکرانه جنبش تبدیل شود. مجمع عمومی توده های معترض در خیابان، به نحوی سمبلیک در مقابل مجامع مافیایی پشت پرده میلیونها و حامیان سیاسی شان در دولت و کنگره و سناست. مجمع عمومی، به عنوان محل علنی آزادی بیان، ابراز وجود سیاسی، دخالت فعال و مستقیم و همه جانبه در تصمیم گیری عملاً دارد معنای واقعی آزادی را در مقابل کاربکاتوری از آزادی تحت نام دمکراسی قرار میدهد. ۹۹ درصد دارند در مورد سرنوشت خود در فضای باز و علنی تصمیم میگیرند و به این ترتیب یک تعرض سیاسی به دمکراسی پارلمانی راه میاندازند که عملاً حق و امکان تصمیم گیری در مورد سرنوشت ۹۹ درصد را به دست معاملات سیاسی احزاب مختلف یک در صدی حاکم میسپارد.

"بلندگوی مردم" در مقابل رسانه های حاکم!

استریت جورنال اشغال شده" را منتشر کرده اند که اولین شماره اش با تیراژ ۵۰ هزار دست بدست میشود. شهردار میلیاردر نیویورک به اشغال کنندگان هشدار داده است که نمیتوانند سیستم بلندگو داشته باشند. اشغال کنندگان معترض بلندگوی تمام عیار رذایل سیاسی و ایدئولوژیک جناح راست طبقه حاکم آمریکا و دنیای سرمایه داری، همان کاری را کرد که انتظارش میرفت. با تحریف بیشترانه این جنبش رادیکال و انسانی و با این اراجیف به سراغ این جنبش رفت: بیکاره های هایی که حوصله شان سر رفته است و دارند در مقابل وال استریت حال میکنند! (جرالدو ریورا، مجری میان جمعیت آفتابی شد، با خشم و نفرت معترضین روبرو شد و فرار را بر قرار ترجیح داد.) فضای رسانه دیگر هم در شروع این جنبش، دست کمی از فاکس نیوز نداشت. یکی از مخبرین امور مالی سی ان ان، در روزهای اول چشم به دوربین سی ان ان دوخت و علنان این جنبش را مسخره کرد. اما جهان عوض شده است. در مقابل رسانه های طبقه حاکم، رسانه هایی که معمولاً دست همان میلیاردهای ول استریت هست، اشغال کنندگان وال استریت، مثل همه جنبشها و انقلابات جهان معاصر دارند با رسانه های اجتماعی ابراز وجود میکنند. قدرت رسانه ای ۹۹ درصد مردم در تویتر و فیس بوک و پیامهای تلفنی و غیره، انحصار رسانه ای طبقه حاکم را در هم کوبیده است. آنچه چیزی که امکان رسانه های اجتماعی را در خدمت جنبش اعتراضی قرار میدهد، فقط قدرت و امکانات و برد تکنولوژیک این رسانه ها نیست. مسئله این است که زمانیکه اقلیت وال استریتی با امکانات قدرتمند و گسترده و سریع اینترنت پول جابجا میکنند و پول بالا میکشند؛ اشغال کنندگان وال استریت، این اکثریت عظیم با همین امکان، اعتراض جابجا میکنند و اعتراض سازمان میدهند. تعداد وسیع معترضین ضریب امکانات تکنولوژیک اینترنتی، رسانه های رسمی طبقه حاکم را به نحوی موثر خنثی کرده است.

"انقلاب غیر قابل اجتناب است، چرا همین حالا نه؟"

جنبش اشغال وال استریت"، با این شعار دارد حرف آخر را میزند. فقط نمیگوید که انقلاب گریزنپذیر است. اگر فقط همین را میگفت باید دست روی دست میگذاشت و در انتظار انقلاب مگس میپایاند. نه خیر، این جنبش میگوید انقلاب همین حالا لازم است و همین حالا ممکن است. نه تنها این، بلکه میگوید "انقلاب جهانی بزرگتر از آن است که شکست بخورد!" باز هم یک نیشخند به سلاطین مالی که خود را بزرگتر از آن میدانند که شکست بخورند.

"وال استریت را"**به میدان تحریر تبدیل کنید"**

اشغال کنندگان وال استریت با این شعار پیام روشنی دارند. وصل کردن وال استریت به میدان تحریر، سرشار از معانی سیاسی رادیکال است. میدان تحریر مصر، سمبل سرنگونی مبارک، دیکتاتور دست نشانده سرمایه داری آمریکا در مصر است. ظرافت قضیه این است که طبقه حاکم آمریکا وقتی قدرت انقلاب در میدان تحریر را رویت کرد سریعاً پشت این دیکتاتور را خالی کرد تا بتواند زیر پای انقلاب مصر را خالی کند. امروز همین طبقه حاکم در خود آمریکا با معترضینی مواجه است که مبارزه شان را جلوه ای دیگر از مبارزه در میدان تحریر میدانند.

بازتاب هفته

تجاوز و قتل عمد دولتی



بهروز مهر آبادی

سخنان فرماندار که برای آرام کردن مردم می خواست این جنایت را لاپوشانی کند با فریاد های اعتراض آمیز قطع شد. مردم در شعار های خود عوامل رژیم را مسبب انجام این جنایت اعلام کردند.

مقامات جمهوری اسلامی ناچار شدند اعلام کنند که برای دستگیری متهمان اقدام خواهد کرد اما در عین حال قربانیان این واقعه را نیز مقصر و مجرم اعلام نمودند. دادستان خمینی شهر دلیل حمله به مهمانی را "برداشتن پوشش های اسلامی و با پوششی بسیار نادرست و در فضایی که نامحرم در آن بوده است به رقص و پایکوبی می پردازند." اعلام نمود. "امام جمعه اصفهان اعلام کرد: "اگر این خانمها حجاب داشتند مورد تجاوز قرار نمی گرفتند." ابطی عضو مجلس شورای اسلامی در توضیح واقعه گفت: "سر و صدای این مهمانی به بیرون می رسد و متهمان را تحریک می کنند که بدانند در آنجا چه اتفاقی در حال جریان است." او از انتشار خبر این جنایت و "رسانه ای" شدن آن اظهار نارضایتی کرد. امام جمعه خمینی شهر گفت: "البته آنها هم که مورد تجاوز قرار گرفته اند هم آدمهای علییه السلامی نبوده اند ... با شراب خواری و رقصی یک عده دیگر را هم تحریک نمودند" و رئیس پلیس آگاهی اصفهان اعلام کرد که: "بر اساس تحقیقات و بررسی های پلیس مشخص شد که قربانیان این حادثه ۵۰ درصد در بروز آن مقصر هستند و اگر این افراد موازین اخلاقی را رعایت کرده بودند این اتفاق نمی افتاد."

این اظهار نظر ها به روشنی نقش رژیم و اوپاش آن را در انجام چنین جنایاتی نشان می داد. شواهد دیگری نیز وجود دارد که حاکی از دخالت بسیج در انجام این جنایت است. با وجودی که از باغی که مکان برگزاری مهمانی بوده تصاویر متعددی منتشر شده است، اما هنوز از محلی که زنان به آنجا برده شده و مورد تجاوز قرار گرفته اند، هیچ اسمی برده نشده است. گفته می شود که این محل از اماکن تمرکز بسیج و نیروی انتظامی است. بنا به گزارش های انتشار یافته قربانیان اعلام کرده اند که "اراذل و اوپاش" مهاجم خود را

اعدام ۴ نفر در خمینی شهر (سده اصفهان) در روز چهارشنبه ۲۰ مهر صفحات دیگری پر پرورنده جنایتی که در روز ۴ خرداد در این شهر انجام شد، افزود. در آن روز جمعی از دوستان و بستگان در یکی از باغهای خمینی شهر دور هم جمع شدند تا ساعاتی را در کنار هم بخوشی بگذرانند. مهمانی با حمله یک گروه ۱۴ نفره مسلح صحنه شکل گیری یک فاجعه شد. چند نفر با لباس بسیج و نیروی انتظامی در را کوبیده و وارد باغ شدند و همزمان عده دیگری از دیوارها به داخل باغ ریختند و به شرکت کنندگان در این مهمانی هجوم بردند. دست و پای مردان را که ۸ نفر بودند بسته و در داخل اتاقی زندانی کردند. زنان را که ۶ نفر بودند، بازداشت کرده و با اتومبیل به محل دیگری منتقل نموده، آنها را مورد تجاوز قرار دادند و ساعاتی بعد آنها را در خیابان رها نمودند. یکی از این زنان حامله و یکی دیگر از آنان در سن کودکی بود. خبر این جنایت خیلی زود در خمینی شهر، اصفهان و در همه ایران منتشر شد و بزرستی نگاهها و موج انزجار مردم متوجه رژیم شد. تجاوز همواره یکی از حربه های رژیم برای ایجاد ترس و وحشت و مقابله با اعتراضات مردم و بی اعتنائی آنها به قوانین ارتجاعی اسلامی بوده است و بویژه در دو سال گذشته موارد مکرر آن افشا شده است. اعتراضات مردم بویژه در خمینی شهر رژیم را به وحشت انداخت. مردم از طریق پیامک های تلفنی فراخوان برگزاری تظاهرات دادند. روز ۱۲ خرداد هزاران نفر از مردم در مقابل دادگستری اجتماع کرده و خواستار دستگیری عاملان این جنایت شدند. روز ۲۲ خرداد نیز هزاران نفر در مقابل فرمانداری اجتماع کردند.

اسرائیل و عربستان را نیز داشته است. به گفته او شخص دستگیر شده به دست داشتن در طرح ترور اعتراف کرده و اطلاعات زیادی در خصوص نقش مقامات جمهوری اسلامی در این طرح داده است.

بدنبال انتشار این خبر وزیر امور خارجه آمریکا گفت که آمریکا با همپیمانان خود برای "منزوی ساختن بیشتر ایران" در عرصه بین المللی مشورت خواهد کرد. دولت آمریکا همچنین شرکت هواپیمائی ماهان ایر را بخاطر روابط نزدیک، همکاری و معاملات آن با سپاه پاسداران تحریم کرد و نام ۴ نفر دیگر از فرماندهان سپاه و یک نفر از مقامات رژیم را به لیست تحریم خود اضافه کرد.

معاون باراک اوباما در مصاحبه ای اعلام کرد: این اقدام وحشتناکی است و ایران باید پاسخگویی اقدامات خود باشد. حکومت عربستان بلافاصله نسبت به این خبر واکنش نشان داد و سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان گفت که ایران باید پاسخگویی اقدام خود باشد. او در پاسخ خبرنگاران اعلام کرد که ما در برابر فشار ایران تسلیم نخواهیم شد و هر اقدامی که آنها علیه ما انجام دهند با پاسخ عربستان روبرو خواهد شد.

مقامات جمهوری اسلامی اتهامات آمریکا و عربستان را رد کرده و آن را نمایش مضحک، ساختگی، رفتار های نخ نما و سناریوسازی با اهداف تفرقه افکنانه از سوی دشمنان اسلام و منطقه، نامیدند. تدارک و انجام عملیات تروریستی توسط جمهوری اسلامی امر تازه و ناشناخته ای نیست. ترور یکی از پایه های حکومت و بقای رژیم است. بجز سرکوب مستقیم مردم و مخالفین سیاسی، تاکنون صد ها مورد از ترور مخالفان سیاسی در داخل و خارج کشور و از جمله در آمریکا افشا و دخالت مستقیم مقامات جمهوری اسلامی ثابت شده است. تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی به خاطر رهبری عملیات تروریستی در دادگاههای بین المللی مجرم شناخته شده و تحت تعقیب قرار دارند. پرونده های فراوانی از قاچاق اسلحه، پولشویی، قاچاق مواد مخدر و سایر جرائم توسط رژیم ایران در

نیروی بسیج معرفی کرده و یکدیگر را حاجی، سید و برادر خطاب می کردند. اما آنچه که نقش جمهوری اسلامی را در حمله به یک مهمانی خصوصی و تجاوز برجسته می کند، سیاست سرکوبگرانه رژیم برای نابودی حق مردم برای داشتن یک زندگی طبیعی، سیاستهای زن ستیزانه و دشمنی آن با شادی و امنیت انسانها ها است. تجاوز های خمینی شهر، کاشمر، گلستان و ... حتی اگر بطور مستقیم توسط مزدوران جمهوری اسلامی انجام نشده باشد، اما موجه نشان دادن این اعمال و در موارد بسیار صدور فرمان برای انجام آنها، رژیم را بعنوان متهم اصلی این فجایع نشان می دهد.

جمهوری اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات و برای سرپوش گذاشتن بر ابعاد جنایت خمینی شهر، چهار نفر را اعدام کرد. اعدام یک نفر دیگر نیز در دیوان عالی اسلامی مورد بررسی است. تجاوز با قتل عمد دولتی پاسخ گرفت در حالی که این هر دو پدیده ناشی از حکومت جهل و جنایت بر جامعه است. اما این پایان ماجرا نیست، این پرونده نیز باید در دادگاهی دیگر مورد بررسی قرار بگیرد. دادگاهی که مشروعیت خود را نه از قوانین عصر حجری اسلامی بلکه از خواست انقلابی مردم برای برقراری یک جامعه انسانی خواهد گرفت.*

پرونده ای جدید از تروریسم جمهوری اسلامی

بهروز مهر آبادی

روز سه شنبه وزیر دادگستری آمریکا اعلام کرد که فردی بنام منصور ارباب سیار را به اتهام تدارک ترور سفیر عربستان در آمریکا دستگیر کرده است. در همین رابطه نام فرد دیگری به نام غلام شکوری ساکن ایران نیز به عنوان همدست او در این توطئه اعلام گردید. این دو فرد بعنوان ماموران نیروی قدس وابسته به سپاه پاسداران معرفی گردیدند. اربک هولدر اعلام کرد که این شبکه ترور وابسته به جمهوری اسلامی قصد بمب گذاری در سفارتخانه های

کشورهای مختلف جهان وجود دارد. هر کدام از این موارد می تواند دلیلی باشد تا سایر دولتها از برسمیت شناختن جمهوری اسلامی خودداری کرده و بعنوان یک رژیم جنایتکار با آن قطع ارتباط کنند. تدارک ترور سفیر عربستان در آمریکا نیز می تواند واقعیت داشته باشد، اما مطرح کردن آن از طرف دولت آمریکا و فشار آوردن به جمهوری اسلامی را می توان ناشی از تمایل آمریکا برای فشار آوردن بیشتر به رژیم و رام کردن آن، دانست. دولت آمریکا بخوبی می داند که جمهوری اسلامی مورد انزجار و نفرت مردمی است که هر لحظه ممکن است برای پائین کشیدن حکومت به خیابانها بریزند. بحران عمیق اقتصادی و شکاف های درون حکومتی بیشتر از هر زمان دیگری است و فرصت مناسبی برای گرفتن امتیاز و مهار زدن به آن است. گزینه دخالت نظامی هم هر چند بسیار دور و بعید بنظر می رسد اما آمریکا و متحدانش امکان استفاده از این ابزار را کنار نگذاشته اند و کشف شبکه تروریستی رژیم، می تواند در این راستا موثر باشد. با وجود صدها هزار مورد اعدام، سنگسار، شکنجه و زندان، پرونده های متعدد ترور، زن ستیزی قانونی، پرونده های بیشمار دزدی و غارتگری سران رژیم و نقض ابتدائی ترین اصول حقوق بشر هنوز جمهوری اسلامی مورد پذیرش مجامع بین المللی است. تحریم و جنگ نتوانسته اند ذره ای از توحش این رژیم کم کند. تنها راه نجات بشریت از شر این رژیم جنایتکار، سرنگونی این رژیم توسط مردم ایران است. کافی است که برای چند ماه این جمهوری اسلامی از مجامع بین المللی طرد شود و سایر دولت ها روابط دیپلماتیک خود را با آن قطع کنند تا با اولین خیزش مردم ایران بساط آن از کره زمین جمع شود. تروریسم جمهوری اسلامی بیش از هر چیز متوجه مردم ایران بوده است و بجز آنها نیروی دیگری نمی تواند با این تروریسم مقابله کند. جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران و خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنها باید بیش از هر زمان دیگری مورد حمایت جهانیان قرار گیرد.*

اساسی سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

مدرسه یا اندرونی و زندان

بهر روز مهر آبادی

"محرم سازی مدارس دخترانه به شیوه حیاط اندرونی" عنوان مناسبی است که سایت خبر آنلاین برای توضیح سیاست جمهوری اسلامی در مدارس دخترانه بکار برده است. خبرنگار این سایت می نویسد: "این طرح با هدف استتار مدارس دخترانه در تمام دوره های تحصیلی به اندرونی و بیرونی خانه های قدیمی شباهت دارد که محور را بر رفاه حال زنان اندرونی قرار می داد و مدارس حیاط محور هم با هدف مشابهی قرار است به رفاه بیشتر دختران دانش آموز در ورزش و جست و خیز بدون مانتو و مقنعه منجر شود." این عنوان به خوبی سیاست قرون وسطانی و ضد زن رژیم را نشان می دهد. هر چند که ممکن است در زیر سایه حکومت اسلامی معدودی از آیت اله های بازمانده از دوران دایناسور ها هنوز در بیت خود اندرونی و بیرونی داشته و اهل بیت آنها "آزادانه" در درون اندرونی با رفاه بسر برده و به جست و خیز مشغول باشند، اما در جامعه متمدن امروز این نحوه زندگی شاهزادگان، آخوندهای پولدار و داروغه های چند صد سال قبل را فقط می توان در داستانها و روایت ها خواند و شنید. جدا سازی جنسی، کشیدن پرده های برزنتی ضخیم در مقابل مدارس، نصب دوربین های مدار بسته، سازماندهی بسیج و سازمان جاسوسی، مربی پرورشی، کلاس های قرآن و نهج البلاغه، برپایی جشن تکلیف، جدا سازی جنسی، شلاق و زندان و انواع مختلف شیوه های تحمیل قوانین اسلامی به کودکان و نوجوانان و بویژه دختران، نتوانسته است در طول ۳۱ سال حکومت اسلامی، تأثیری داشته باشد. تبدیل مدارس به زندانهایی که تماس دانش آموزان را با دنیای خارج قطع کند آخرین شیوه ای است که ذهن متحجر سران جمهوری اسلامی توانسته است ابداع کند.

روزنامه شرق ۲۴ شهریور هزینه طرح تبدیل مدارس دخترانه به زندان را ۸۰۰ میلیارد تومان اعلام کرد. در حالی که گزارشات مختلف منتشر شده در رسانه های مجاز خبر از

تشکیل کلاس های درس مناطق روستائی در آغل های متروک، کپر ها و حتی روی تخته سنگ ها می دهد و بر اساس گزارش روزنامه شرق بیش از ۴۰ درصد مدارس فاقد شرایط ایمنی هستند، سرمایه گذاری رژیم برای اجرای طرح "محرم سازی" را میتوان بیانگر هراس رژیم دانست. کافی است به سایت ها و صفحات اینترنتی مراجعه کنیم تا ببینیم چند دقیقه غیبت جاسوسان و مزدوران رژیم کافی است که دختران دانش آموز حجاب خود را به کناری انداخته و در مقابل چشمان وحشته خامنه ای در درون قاب عکس روی دیوار کلاس، بساط رقص و بزن و بکوب راه می اندازند و فیلم آن را برای پر بیننده ترین سایت های اینترنتی می فرستند تا به همه مردم دنیا نشان دهند که کمترین ارزشی برای قوانین اسلامی قائل نیستند. فقط کافی است که چند دقیقه ابزار سرکوب رژیم از کار بیفتد تا دانش آموزان همه دیوارهای جدا سازی جنسی را در هم بشکنند و صحنه های پرشوری همچون "آب بازی" و "چهارشنبه سوری" بوجود آورند. حضور گسترده دانش آموزان در تظاهرات های دو سال اخیر خود می تواند دلیل دیگری برای بیشتر محدود کردن مدارس دخترانه باشد.

جمهوری اسلامی این طرح ارتجاعی خود را "شاداب سازی مدارس" نامیده است. اما دانش آموزان این مدارس همانقدر می توانند شاداب و در رفاه باشند که زنان در اندرونی های شیوخ و تجار و داروغه ها در چند صد سال قبل. محبوس کردن زنان در درون اندرونی ها، در چند صد سال گذشته نتوانست مانع بروز جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان شود و دیوارهای اندرونی ها در هم کوبیده شد. در زمانی که این جنبش ها به اوج خود رسیده و به موفقیت های بزرگی در سراسر جهان دست یافته اند دیوارهای اندرونی های جمهوری اسلامی مقاومت چندانی نمی توانند داشته باشند، آنهم در صورتی که رژیم امکان ساخت آن را بیابد. طرح محبوس کردن دختران دانش آموز فقط می تواند دست و پا زدن های مذبحخانه یک رژیم متلاشی را نشان دهد که حتی از حضور آزادانه دانش آموزان در جامعه به وحشت می افتد.*

تحولات منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

سوریه: ادامه اعتراضات، ادامه سرکوب و کشتار!

روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر مخالفان رژیم اسد اعلام کردند که از آغاز اعتراضات از هشت ماه پیش تاکنون نزدیک به ۳۷۵۰ نفر توسط نیروهای امنیتی سوریه کشته شده اند. فقط در شهر حمص ۱۱۳۹ نفر کشته شده اند. شهر حمص در کنار شهرهای حماه و درعا از کانونهای اصلی انقلاب سوریه هستند.

در هفته ای که گذشت تظاهراتها و اعتراضات سراسری و گسترده مردم سوریه ادامه داشت. روز جمعه ۷ اکتبر تظاهراتهای بزرگی در شهرهای حمص، ادلب، حماه، درعا، انجل برپا شد. در این تظاهرات ها که بعد از وتوی قطعنامه محکومیت رژیم اسد در شورای امنیت سازمان ملل انجام شد، مردم بر علیه روسیه و چین شعار داده و پرچمهای این کشورها را به نشانه اعتراض به حمایت این دو کشور از رژیم اسد به آتش کشیدند. نیروهای امنیتی با وحشیگری تمام به تظاهراتها حمله کرده و بیش از ۷۰ نفر را کشتند. فقط در شهر انجل نزدیک به ۵۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی شده اند. هوایما های ارتش شهر حمص و حومه آن را بمباران کرده و نیروهای امنیتی در معیت باندهای ترور دولتی وارد شهر شده و اقدام به دستگیری و کشتار گسترده مردم نموده اند.

روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته ای که گذشت در شهرهای عفرین، کوبانی در حومه حلب، عامودا در استان حسکه و قنیصن در استان ساحلی لاذقیه، با وجود محاصره شدید توسط نیروهای امنیتی و حکومت نظامی، تظاهراتهای گسترده ای بر پا گردید. جوانان معترض در شهر الدریاسیه در استان حسکه مجسمه بشار اسد را در شهر عامودا به زیر کشیدند.

در ادامه سیاست محاصره شهرها و سرکوب مردم، نیروهای امنیتی به

دو منطقه المزراب و جبرین در حومه حماه یورش برده تعدادی را کشته و زخمی کرده اند. خبرگزاری آلمان روز سه شنبه ۱۱ اکتبر گزارش داد که از روز دوشنبه تا عصر روز سه شنبه در شهر حمص ۹ نفر کشته و ۱۴۴ نفر دستگیر شدند. در اعتراضاتی که در حمایت از مردم حمص و حماه در حومه دمشق روز جمعه گذشته برگزار گردید ۳ نفر کشته شده اند. در همین حال رژیم بیشترین نیروهای نظامی و عوامل امنیتی و انواع و اقسام باندها و دار و دسته های ترور را در دمشق مستقر کرده است. بیش از ۵ ماه است که عملاً در دمشق حکومت نظامی برقرار است.

آمریکا و برخی کشورهای اروپا فشار و تحریم های رژیم اسد را تشدید کرده اند. نشست ها و گفتگوهای مخالفان رژیم اسد از طیف های مختلف نیز برای رسیدن به "طرح مشترک" در باره نحوه و چگونگی سازماندهی انقلاب ادامه داشته است. در این گفتگوها فشار انقلاب مردم به خوبی اثراتش را بر این نیروها گذاشته است. جریانات "اصلاح طلب" و بخشا شخصیتها و عوامل سابق رژیم تمام تلاششان را به کار گرفته اند تا بلکه هژمونی خودشان که استراتژی "اعتراضات مسالمت آمیز همزمان با گفتگو با رژیم" می باشد، را بر انقلاب مردم و نیروهای رادیکال دخیل در مبارزات تحمیل نمایند. براساس آخرین اخبار سیاست این نیروها موفق نبوده و مردم در تظاهراتهایی که در روزهای اخیر برگزار گردید، اعلام کردند که هر گونه مذاکره و گفتگو با رژیم را رد کرده و خواهان سرنگونی رژیم می باشند. در همین حال "حزب کمونیست سوریه" که مثل همتایش یعنی حزب توده ایران هیچ ربطی به کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی ندارد و مخالف سرنگونی اسد می باشد، از اقدام روسیه در استفاده از حق وتوی این کشور برای رد کردن قطعنامه محکومیت رژیم اسد در شورای امنیت "قدردانی" کرده است. در حمایت از اعتراضات مردم مخالفان رژیم اسد در اروپا تظاهراتهایی در برابر سفارتخانه های رژیم سوریه در کشورهای بریتانیا، سوئیس، بلژیک و آلمان برپا کردند. در برلین تظاهر کنندگان موفق شدند وارد محوطه سفارت شده و پرچم رژیم اسد را پائین بکشند

مصر: تحریکات برای ایجاد جنگهای مذهبی!

در هفته گذشته گروههای مذهبی اسلامگرا و مسیحی به بهانه حمله به یک کلیسا و مسجد به جان هم افتادند. دولت نظامیان در شهرهای قاهره و اسکندریه در حمایت از اسلامگرایان به تظاهر کنندگان حمله برد. صحنه های حمله زره پوش ها به غیر نظامیان اعتراضات مردم جهان را بر علیه رژیم مصر برانگیخت. ارتش عملاً وظیفه دامن زدن به نزاع های مذهبی و قومی را بر عهده گرفته است تا به بهانه جلوگیری از "هرج و مرج"، قدرت و اختیارات خود را افزایش داده و به بهانه "تامین امنیت و وحدت"، نیروهای انقلاب و مردم معترض و ناراضی را سرکوب کند. بیشتر نیروهای رادیکال مصر وقایع اخیر را نتیجه تحریکات دولت و باندهایی از رژیم سابق دانسته و نظامیان را مسئول این وقایع می دانند. بر اساس گزارش های رسمی ۲۶ نفر از تظاهر کنندگان توسط نیروهای ارتش کشته شده و صدها نفر زخمی شده اند. روز ۱۹ مهر معاون نخست وزیر مصر که پست وزارت دارایی را هم داشت در اعتراض به حمله ارتش به مردم، از سمت خود استعفا داد. احزاب، سازمانها و نیروهای رادیکال و انقلابی این تحركات و جنایات مذهبی را محکوم کرده و دولت نظامیان را مسئول این اتفاقات می دانند. خطر کشاندن انقلاب ناتمام مردم به درگیریهای مذهبی و قومی در مصر وجود دارد. نیروهای انقلاب باید با درایت و روشنگری به این موضوع برخورد کرده و راه هر گونه استفاده نظامیان و نیروهای ضد انقلاب از این تحركات را برای پایان دادن به انقلاب مردم، بسته و راه حل خود را ارائه دهند.

یمن: تظاهرات های گسترده در صنعاء و وعده های دیکتاتور!

در هفته گذشته صالح دیکتاتور یمن یک بار دیگر در تلویزیون حکومتی ظاهر شده و اعلام کرد که در آینده نزدیک قصد دارد از قدرت کناره گیری نماید. این در حالی است که وی دو هفته قبل تهدید کرده بود که نخواهد رفت. آن زمان در واکنش به این اظهارات صالح صدها هزار نفر هر روز در شهرهای مختلف این کشور دست به تظاهرات زده و خواهان برکناری وی شدند. ارتش

بازتاب هفته

عملا دو شقه شده است، بخشی به مردم پیوسته و بخشی هم از رژیم دفاع می کنند. تظاهرات آنها هر روز ادامه دارد. در بخش هایی از کشور احزاب و دار و دسته های اسلامگرا و بخشا تروریست وارد جنگ شده اند.

اما این گروهها عملا در مقابل خواست های آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم قرار دارند. در این میان رژیم به بهانه "مبارزه با تروریسم" در این قسمت از یمن عملا جنگی تمام عیار را بر علیه مردم آغاز کرده است. یمن عملا درگیر جنگ داخلی شده است. این خطری برای اعتراضات مردم و مبارزه آنها برای به زیر کشیدن رژیم صالح می باشد. سیاست آمریکا و غرب در برخورد به اعتراضات بر علیه رژیم یمن، سکوت رضایت آمیز می باشد. بر اساس آخرین آمار اعلام شده تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر از مردم در تظاهراتهای مختلف در چند ماه گذشته در این کشور کشته شده اند.

اردن:

تظاهرات بر علیه فساد و دولت!

در هفته گذشته بعد از مدتها سکون، امان پایتخت اردن شاهد برپایی تظاهرات بزرگ بر علیه رژیم بود. تظاهر کنندگان اعلام کردند که وعده های شاه اردن عملی نشده، گرانی و فقر در کنار فساد گسترده حکومت، دمار از روزگار مردم آورده است. تظاهر کنندگان خواهان برکناری نخست وزیر و برخی از مقامات دیگر حکومت هستند. برگزار کنندگان برای روزهای آینده نیز اعلام کردند که در سال تحصیلی جدید، همانطور که انتظار میرفت شاهد شروع مجدد اعتراضات دانشجویان هستیم. خبرهای اعتراضات متوالی از دانشگاهها روز به روز به گوش می رسد. اعتراضات در دانشگاه شهرکرد دانشگاه بهشتی، دانشگاه یزد و اطلاعیه دانشجویان دانشگاه مازندران برای مقابله با طرح تفکیک جنسیتی، اعتراض دانشگاه زنجان علیه تفکیک جنسیتی و اعتراض دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک از نمونه های آن در همین ابتدای سال تحصیلی ست.

تظاهرات کرده اند.

لیبی: جنگ ادامه دارد!

نیروهای دولت انتقالی نزدیک به یک ماه است که برای تصرف شهر سرت زادگاه قذافی می جنگند. در هفته ای که گذشت درگیریها کماکان ادامه داشته است. شهر سرت دژ نظامی قذافی و نیروهای مزدور و هوادار او است. در منطقه بنی ولید نیز جنگ ادامه دارد. مخالفان هر روز خبر از پیشرویهای می دهند و لی هنوز نتوانسته اند شهر سرت را به تصرف خود در بیاورند اما پیشروهای زیادی داشته اند. روز ۲۱ مهر یکی از پسران قذافی در این شهر دستگیر شد. در این میان وضعیت زندگی و گذران و معیشت مردم با مشکلات جدی روبرو می باشد. کمبود دارو، پزشک برای مداوای هزاران زخمی، کمبود امکانات رفاهی، زندگی را برای مردم سخت تر کرده است. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از طرف دولت انتقالی بیش از ۵۰ هزار نفر در طول چند ماه گذشته کشته و هزاران نفر زخمی شده اند.*

"جناب سروان تا کی اینجا هستید!"

یاشار سهندی

دو ماه پیش، در رسانه های حکومت تصویری منتشر شد که نشان میداد "پلیس فداکار" در عملیات کماندویی با "عملیات رابل"، جفت پا رفته اند روی دیشهای ماهواره ای و آنرا له و

لورده ساختند. در تصاویر دیگر دیشها که اسباب شیطان معرفی شدند از وسطه تا شده اند و یا پلیس با تمام رشادت سعی دارد درب اتاقکی در پشت بامی را جا بکند. بعد از آن بود که خبر میرسید به این محله و آن محله یورش بردند و دیشها را نابود کردند. البته قصد جسارت نداریم که بگوییم که خود پلیس، دزد هم هست چون بی تعارف "ال ام بی" را سالم جدا میساختند بعد دیش را نابود می کردند چون بهرحال خود "عوامل نیروی انتظامی" میدانستند که این دستگاهها بازار خوبی دارد. به گفته یک نماینده مجلس اینها سرمایه ملی است و نباید نابود شود! یکی از اهداف مهم این عملیات ایجاد رعب و وحشت بود. هنگام عملیات، محله ای که قرار بود از وجود دیشهها پاکسازی شود به محاصره در می آمد. نیروهای یگان ویژه در خودروها مستقر در ورودیهای محله در کمین بودند تا اگر برای دیگر نیروهای پلیس مشکلی پیش می آمد حمله کنند. در عین اینکه سعی میکردند این عملیات بی و سر و صدا انجام پذیرد ولی سعی داشتند خبر آن مثل توپ پیچد تا همگی مردم هراسان شوند. اما برخلاف انتظار حکومت، مقاومت مردم وجود داشت. فیلم های منتشر شده از این مقاومت حکایت دارد. مردم با تیش و کنایه به استقبال این عملیات میرفتند و این مقاومت بیشتر از جانب زنان بود. زبان مردم دراز بود و تحریک کننده اما پلیس به روی خود نمی آورد: "جناب سروان ال ام بی، فروشیه؟ چنده؟!"، "دستتون درد نکنه

این دیش دیگه زنگ زده بود باید عوضش میکردم"، "خدا برکت بده به کار و کاسبی نصابها! جون شما نباشه جناب سروان، جون خودم الان نصاب بود حسابی نانم تو روغن بود"، "جناب سروان نصاب خوب سراغ داری؟!"، "آخ، الهی کوفت بشه عباس آقا، همین دیروز ۱۰ هزار تومن گرفتی تنظیمش کردی، حالا عصری بیا یک دیش هم بیار، ال ام بی هم یادت نره یا ما هم کمتر حساب کن. صبر کن الان برات مشتری جور میکنم... چند لحظه گوشی... خانمها شما هم دیش میخوان... بیا بیست تا مشتری هم جور کردم... عصری اینجا باشی... گوشی... جناب سروان تا کی اینجا هستید! پلیس خون خودش را میخورد اما نمی توانست چیزی بگوید چون میترسید کار به درگیری بکشد تا بالاخره فرمانده نیروی انتظامی دستها را به نشانه تسلیم برد بالا؛ چرا که پلیس پایش را از محله بیرون می گذاشت دوباره دیشهها خیرساره رویه آسمان در پشت بامها ردیف شده بودند. اعتراف به شکست در این سخنان احمدی مقدم موج میزند: "نیروی انتظامی قصد ورود به منزل کسی را ندارد، از این رو برای جمع آوری تجهیزات ماهواره ای نه وارد منزل کسی می شویم و نه از کسی حکم ورود به منازل افراد را دریافت می کنیم. به این ترتیب در خصوص مجتمع ها و آپارتمان هایی که دیش های ماهواره آنان قابل رویت است، ماموران با هیأت مدیره های ساختمانها وارد مذاکره شده تا آنها خود رأسا اقدام به جمع آوری

گیرنده ها کنند." ایشان گفته است پلیس بیکار نیست که دیش جمع آوری کند. صدا و سیما برنامه هایش را بهتر کند تا مردم سراغ ماهواره نروند! فرماندهی پلیس تهران اما خودش را از تک و تا نینداخته و گفته طرح جمع آوری ادامه دارد اما گفته پلیس باید در مرحله آخر وارد ماجرا شود؛ یعنی سیمای جمهوری اسلامی با برنامه هایش حریف ماهواره ها شود! نمایندگان مجلس میگویند باید برخورد شدیدتری صورت گیرد. احمدی مقدم میگوید: ما نیستیم تا وقتی کسی شاکتی خصوصی نداشته باشد وارد ماجرا نمی شویم. مردم هم کوتاه بیایند اقلا جلو چشم همگان دیش را نگذارند! این کشمکشها میان کارگزاران رژیم، نه کشمکشی از عقب ماندگی بخشی از آنها و یا روشنفکر بودن بخشی دیگر، بلکه حاکی از مقاومت مردم است که نمی توانند یک تصمیم واحد بگیرند، اگر هم تصمیمی میگیرند قادر نیستند اجرایش کنند. احمدی مقدم در جای دیگر گفته است: "پلیس در رابطه دختر و پسر دخالت نمی کند و هیچگاه برای پرسیدن نسبت افراد ایست و بازرسی راه اندازی نمی کنیم!" "دخالت" کنند، حریف این مردم دیگر نمیشوند. وقتی فرمانده کل نیروی انتظامی چنین عقب نشینی میکند مشخص است چه خبر است. احتیاج به هیچ آمار و ارقام و بیان مشاهدات شخصی ما نیست. تنها کاری که از ما برمی آید این است که زمان رفتن آنها را جلو بیندازیم.*

اعتراضات دانشجویی کلید خورد. دانشجویان یکصدا در دفاع از حرمت انسانی و علیه تفکیک جنسیتی

اجرای قوانین متحجرانه خود، دانشجویان و اعتراضاتشان را مهار و سرکوب کند برونند و باید مانند دانشجویان پلی تکنیک و زنجان اعتراضات را از همان هفته اول شروع کرد و این حکومت ضد انسانی را که جان انسانها برایش هیچ ارزشی ندارد را عقب راند. از طرفی شاهد غارت و چپاول میلیاردری ارز و اوباش حکومت هستیم و از طرف دیگر شاهد جانباختن انسانها بخاطر شرایط بد زندگی هستیم. باید دانشجویان در همه شهرها به حمایت از دانشجویان معترض پلی تکنیک

سالنهای غذا خوری و پولی شدن سرویسهایشان دست به اعتراض زده اند، دانشجویان مبارز در زنجان و تهران و شهرهای دیگر همه و همه با شعار "دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد" اعتراضات را استارت زده اند.

سازمان جوانان کمونیست به تمام دانشجویان آزادیخواه و مبارز درود میفرستد و از همه دانشجویان در شهرهای مختلف می خواهد که در اعتراضی سراسری و متحدانه، دوشادوش هم، به مصاف جمهوری اسلامی که می خواهد با وضع و

بعد از جانباختن آمنه زنگنه در خوابگاه در اثر گاز گرفتگی، چندین روز است که دانشجویان دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. دانشجویان معترض خواهان استعفا رئیس دانشگاه و پایان یافتن این وضعیت شده اند، آنها اعلام کرده اند که باید شرایط زندگی و تحصیلی تغییر پیدا کند و دانشجویان در استاندارد بالایی برای تحصیل در دانشگاهها و زندگی در خوابگاهها بسر ببرند. همچنین در دانشگاه زنجان دانشجویان این دانشگاه علیه طرح تفکیک جنسیتی و جدا سازی

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
سازمان جوانان کمونیست
۱۸ مهر ۱۳۹۰، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۱

روزهای مبارزه علیه جمهوری اسلامی در تورنتو مصاحبه با یدی محمودی، دبیر تشکیلات حزب در شرق کانادا



یدی محمودی، در حال سخنرانی در پای میز ایران سولیداریتی

انترناسیونال: مدتی است که هر چهارشنبه، شما در شلوغترین مرکز شهر تورنتو میزهای "ایران سولیداریتی" (میزهای همبستگی با مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی) برپا کرده و علیه جمهوری اسلامی افشاگری میکنید. **یدی محمودی:** ما از اول آگوست، چیزهایی در باره جمهوری اسلامی را به اطلاع مردم میرسانید؟ چه نوع پوسترها و شعارها را در معرض دید مردم قرار میدهید؟ آیا فقط در مورد جنایات جمهوری اسلامی افشاگری میکنید؟



یدی محمودی: چه نوع نهادی است و چه هدفی را دنبال میکند؟
ایران سولیداریتی چه نوع نهادی است و چه هدفی را دنبال میکند؟
مبارزات مردم ایران و در گرماگرم اعتراضات میلیونی مردم در سال ۲۰۰۹ شکل گرفت. هدف ایران سولیداریتی جلب حمایت مردم کشورهای غربی از مبارزات مردم ایران، افشای چهره ضد انسانی رژیم اسلامی در میان مردم، دفاع از زندانیان سیاسی و کلا تقویت هر اعتراض و مبارزه ای که بتواند رژیم اسلامی را در عرصه های وادار به عقب نشینی کند.

انترناسیونال: از میزهای ایران سولیداریتی در تورنتو برای خوانندگان انترناسیونال تصویری زنده بدهید. ماتریالهای میز چه هستند؟ چه صحبتهایی میشود و چه

استقبال مردم بسیار بی نظیر بوده بطوری که برای خود من که با همین هدف شروع به این فعالیتهای کردم این درجه از حمایت و پشتیبانی برایم قابل تصور نبود. اینجا دوست دارم خیلی خلاصه فقط به چند نمونه از حمایت و صحبتهای مردم اشاره کنم. از همان هفته های اول ما دوستی از بحرین به نام عدنان پیدا کردیم و او عکس دیکتاتور بحرین را هم به پوستر دیکتاتورها اضافه کرد. عدنان همان روز اول در باره تظاهراتهای بحرین گفت "با اطمینان می گویم که مردم بحرین نه برای جمهوری اسلامی دیگری، بلکه برای رفاه و آزادی علیه دیکتاتوری به میدان آمده اند."

او الان يك پای ثابت میزهای ماست



می شناسد. زن و مرد میانسالی جلو آمدند و ما را تشویق کردند. گفتند در ضمن ما همشهری سکینه هستیم. زن جوانی از عربستان از ما می خواست عکس پادشاه عربستان را هم به لیست دیکتاتورها اضافه کنیم. ایرانیان بسیاری ما را تشویق به



و همیشه تاکید می کند که اعتراض مردم بحرین ربطی به جمهوری اسلامی ندارد و باید مورد پشتیبانی همه آزادیخواهان قرار بگیرد. همین چند هفته پیش زنی از برزیل روی بنر ما را امضا کرد و با دیدن عکس سکینه محمدی آشتیانی بدون اینکه يك کلمه انگلیسی صحبت کند با اشاره به من می گفت که او سکینه را



روزهای مبارزه علیه جمهوری اسلامی در تورنتو



علیه ما مردم سوریه که علیه بشار اسد می جنگیم هستند." پسر جوان مصری را دیدم که پولی به صندوق کمک مالیمن انداخت و گفت "بیا من اهل مصرم و تازه انقلاب کرده ایم، من هم شما را کمک می کنم تا شما هم انقلاب کنید". مردی از افغانستان که يك پای خود را از دست داده بود و روی ویلچر بود به نشانه اعتراض خواست تا هنگامی که عکس دیکتاتورها



را زیر گرفته از او عکس بگیریم و گفت "مسبب قطع پای من همین خامنه ای جنایتکار است". به نظر من همه فعالیت‌های ما برای هزاران رهگذری که از کنارمان می گذرند قابل تحسین است و ما این را در صحبت‌هایمان، در نشان دادن علامت پیروزی‌هایمان و در لبخندهایمان می بینیم. اما عکس دیکتاتورها با توجه به انقلابات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار مورد توجه است و مردم زیادی با راه رفتن روی عکسها و لگد کوبیدن روی



انترناسیونال بخواهند اطلاعات بیشتر و تصویر زنده تری از این میزها داشته باشند، به کجا و کدام منابع باید مراجعه کنند؟

یدی محمودی: ما هر هفته تمام عکسها را روی فیس بوک ایران سولیداریتی تورنتو می گذاریم. از طریق صفحه فیس بوک سراسری ایران سولیداریتی هم خوانندگان انترناسیونال می توانند ما را



پیدا کنند. و همچنین از طریق ایمیل و یا نشریات فارسی تورنتو از جمله شهروند هم می توانند با فعالیتهای ما آشنا شوند. البته بهترین تصویر را شاید باید از همان صفحه ایران سولیداریتی تورنتو گرفت، بخصوص الان که دوستانی زحمت کشیده اند و دو کلیپ زیبا از منتخبی از عکسها را روی صفحه گذاشته اند.*

آدرس ای میل:
Iransolidaritytoronto@gmail.com
لینکهای فیس بوک:
Face book:
IranSolidarityToronto
Face book:
Iran-Solidarity-UK

انترناسیونال: اگر خوانندگان

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن: ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, WA 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم

و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلا بی بدل میشود!

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

پنجم نوامبر: روز جهانی اعتراض برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران!



اساس این خبر رئیس شرکت کارگران را تهدید کرده و گفته است هر کسی که نمیخواهد کار کند برود تسویه حساب کند. کارگران دسته جمعی در جواب رئیس شرکت می‌گویند همه ما تسویه حساب می‌کنیم و هر یک بر گه تسویه حساب را از امور اداری می‌گیرند. کارگران سپس از رئیس شرکت می‌خواهند حقوق‌هایشان را بپردازد. رئیس شرکت به کارگران می‌گوید بروید فعلا پول نیست، کارگران بر گه‌های تسویه را که به امضای مسئولین شرکت رسیده بود، پاره کرده و به هوا پرتاب می‌کنند و اعلام می‌کنند ما هم تا وقتی که حقوقمان را نگیریم در اعتصاب خواهیم ماند. روز ۱۵ مهرماه همین تشکل خبر دیگری در همین رابطه منتشر کرده است. در این خبر آمده است: کارگران شرکت توان سیال بعد از ۱۰ روز اعتصاب در پایان روز پنجشنبه ۱۴ مهر قبول کردند که روز شنبه ۱۶ مهر به سر کار بروند. در ادامه آمده است که کارفرمای شرکت توان سیال روزهای گذشته کارگران را تهدید به اخراج کرده بود ولی در مقابل اراده جمعی کارگران ناچار به عقب نشینی و وعده پرداخت حقوقهای معوقه تا یک هفته آینده گردید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

شهلا دانشفر

بهرام سروش

bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

کارگران پتروشیمی بندر امام به اعتصاب خود پایان دادند کارگران باید در مقیاس کلان آماده شوند

کلان پاسخ مقامات حکومت را بدهند. خواست برجیدن بساط پیمانکاران و قرارداد مستقیم و رسمی با کارفرماها خواست سراسری کارگران است. کل این نیرو باید برای تحقق این خواست به میدان بیاید تا خواست عادلانه خود را به کارفرماها و دولت تحمیل کند.

کارگران پتروشیمی های ماهشهر و ویژه کارگران پتروشیمی بندر امام، امروز موقعیت ویژه ای در جنبش کارگری کسب کرده اند و افق تازه ای مقابل جنبش کارگری در سراسر کشور گشوده اند. این موقعیت به آنها امکان میدهد که نقش مهمی در به میدان آوردن کارگران پتروشیمی در سراسر کشور و کارگران نفت و سایر کارگران مراکز کلیدی ایفا کنند.

این کار رهبران کارگری و کارگران پیشرو و سوسیالیست است که زمینه های به حرکت درآوردن نیروی عظیم طبقه کارگر را آماده کنند، مبارزه بزرگتری را تدارک ببینند و کارگران را برای اعتصابات بزرگتر آماده کنند. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا از خواست بحق کارگران برای برجیدن بساط پیمانکاران در پتروشیمی ها، در نفت و در کلیه مراکز کار حمایت میکند و کارگران پتروشیمی و نفت و سایر مراکز کارگری در سراسر کشور را به اعتصابات بزرگ و سراسری برای تحقق این خواست و سایر خواست های خود فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مهر ۱۳۹۰، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۱

چندین پتروشیمی ماهشهر به سر کار بازگشتند اما مقامات علیرغم توافق کتبی با کارگران که ظرف سه ماه خواست کارگران را عملی خواهند کرد، زیر قول خود زدند و باز هم دو ماه مهلت خواستند و اینبار نیز زیر قول خود زدند. صحبت معاون فرماندار ماهشهر که خواست کارگران یک مساله کلان است، به این معنی است که بین بیستم تا سی ام مهرماه نیز به خواست کارگران رسیدگی نخواهند کرد و باز هم قصد خریدن وقت دارند. و کارگران نیز باید خود را برای دور دیگری از اعتراض و اعتصاب آماده کنند.

صحبت فرماندار که خواست کارگران یک مساله کلان است، به معنی این است که کارگران نیز نه تنها در ماهشهر که در سراسر کشور و در ابعاد کلان باید برای تحقق خواست خود دست به اعتراض و اعتصاب بزنند. کارگران پتروشیمی های ماهشهر باید از همین الان برای روزهای آخر مهر و بدقولی بعدی مقامات، خود را آماده مبارزه متحدانه و یکپارچه کنند و نیروی بیشتری را به میدان بیاورند. خانواده های کارگران باید اینبار فعالانه در اعتراض شرکت کنند. کارگران سایر مراکز کارگری در ماهشهر و جوانان این شهر باید از همین الان صفوف خود را برای حمایت از کارگران پتروشیمی ها آماده کنند. در سطح سراسری نیز کارگران مراکز کلیدی ویژه کارگران نفت برای این خواست مشترک به میدان بیایند و در ابعاد

۶۵۰۰ کارگر شرکتهای پیمانکاری پتروشیمی بندر امام در ماهشهر روز یکشنبه ۱۷ مهر پس از دو هفته، به اعتصاب متحد و قدرتمند خود پایان دادند و به سر کار بازگشتند. خواست کارگران اعتصابی برجیدن بساط پیمانکاران و عقد قرارداد مستقیم با کارفرما بود. طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز جمعه ۱۵ مهر معاون فرماندار ماهشهر در جمع ۱۵۰ نفری کارگران اعلام کرد: "خواست شما یک مساله بسیار کلان است و نیازمند یک تصمیم گیری در سطح کلان است، ما نمیتوانیم به آن پاسخگو باشیم چرا که این مسئله خیلی فراتر از مجتمع های پتروشیمی در ماهشهر است و مربوط به کل پتروشیمی ها در ایران و تمامی بخشهای وزارت نفت است" طبق این گزارش روز یکشنبه فرماندار ماهشهر در تهران با معاون وزیر نفت در مورد پتروشیمی ها دیدار داشته و به کارگران وعده داده شد نتایج حاصل از این جلسه و تصمیمات اتخاذ شده، بین بیستم تا سی ام مهرماه به کارگران ابلاغ خواهد شد. کارگران تصمیم گرفتند به دو هفته اعتصاب خود پایان دهند تا اتحاد خود را برای تداوم مبارزه حفظ کنند. کارگران اعتصابی هنگام بازگشت بکار موفق شدند کارت سه همکار خود را که توسط حراست گرفته شده بود بازپس گیرند و همکارانشان را به سر کار برگردانند. شش ماه قبل نیز کارگران پس از ۱۱ روز اعتصاب بزرگ و قدرتمند در

کارگران شرکت پیمانکاری پتروسینا در پتروشیمی آبادان از حدود یک ماه پیش در اعتصاب بسر می‌برند

خواهان عقد قرارداد مستقیم شدند اما با بی توجهی مسئولین پتروشیمی آبادان مواجه شده و دست به اعتصاب زدند و بر اجرای خواست محوری خود و مصوبه دولت مبنی بر برجیده شدن شرکتهای پیمانکاری، پافشاری کردند. با این حال مدیریت پتروشیمی با معرفی یک پیمانکار جدید، همچنان به ابقا سیستم واسطه‌ای پیمانکاری پافشاری میکند و پیمانکار جدید با وعده بهبود شرایط کار و وضعیت

بنا بر گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران روز ۱۷ مهر منتشر کرده است، نزدیک به یکماه است کارگران شرکت پیمانکاری پتروسینا در پتروشیمی آبادان برای حذف پیمانکار و عقد قرارداد مستقیم دست به اعتصاب زده‌اند. بنا بر این گزارش از آنجا که قرارداد این شرکت پیمانکاری با پتروشیمی آبادان به پایان رسیده بود کارگران فرصت را برای عقد قرارداد مستقیم مناسب دیده و

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

از صفحه ۱

مصر در مقابل دو راهی!

دوستان قربانیان این جنایت تسلیت میگوئیم و آرزو می کنیم که مجروحان هر چه زودتر به آغوش عزیزان خود باز گردند.

روز یکشنبه تظاهراتی در میدان تحریر برپا شده بود تا به به آتش کشیدن يك کلیسای اقلیت قبطی، مسیحیان مصر در شهر اسیوط اعتراض کنند. در جریان تظاهرات ضد تظاهراتی از سوی بنیاد گریان اسلامی، لاتها و چاقو کش ها و لمپن های اسلامی، از همان کالیبر فالانژها و حزب الهی های نوع جمهوری اسلامی بر پا شد و با چماق و زنجیر و چاقو به جان تظاهر کنندگان افتادند. در تمام این مدت واحدهای ارتش و نیروهای امنیتی نظاره گر این وحشیگری بودند و آنگاه که تظاهرکنندگان دست به دفاع از خود زدند و میدان را برای لات های سلفی و اخوان خالی نکردند، ارتش مشیر طنطاوی اوج وحشیگری و عمق دنات را جلوی چشم جهانیان به نمایش گذارد.

حادثه اسیوط اولین اقدام جنایت کارانه اسلامیتها نبود و به آتش کشیدن اماکن مذهبی قبطی ها در طول ۹ ماهی که از شروع انقلاب می گذرد بارها روی داده و تلفاتی هم داشته است. خشونت بر علیه قبطی ها بیشتر هم وجود داشت و حکومت های پیشین که علیرغم ژست سکولار، دخالت اسلام در تمام شئون و امور جامعه را نه فقط پذیرفته بلکه به آن وابسته هم بودند با مسکوت گذاشتن خشونت بر علیه قبطی ها و تبعیض نهادینه شده دست ارتجاع اسلامی را در ترویج ارتجاع مذهبی باز گذاشته بودند. این ساب کلتور در ۹ ماه گذشته در کنار یهودی ستیزی و ناسیونالیسم مصری اصلی ترین پایگاه و نقطه عزیمت ضد انقلاب بوده است. این جریان اجتماعی که لمپنیسم مصری را زیر چتر اسلام سیاسی گرد می آورد همان نیرویی است که در روز ۸ مارس که قرار بود زنان مصر مارش يك میلیون زن برای حقوق برابر را اجرا کنند، باز هم در حضور نظاره گر ارتش طنطاوی کف به دهان آورده، چماق و چاقو بدست، انقلاب نو پا را

که بجلو قدم برمیداشت موقتاً متوقف کردند. این نیرو همان نیرویی است که هفته گذشته در دانشگاه اسکندریه هم تحت حمایت گارد دانشگاه و به همراه اعضا شورای دانشجویان دوره مبارک به جان دانشجویان چپی افتاد که جلوی جریانات اسلامی به شدت بسته است!

پس از وحشیگری دیشب بسیاری در سراسر جهان ابراز نگرانی کردند و حتی تا آنجا پیش رفتند که قابلیت ارتش مصر در انجام وظیفه ای که کاخ سفید، سردسته مدافعان رژیم موجود، حامیان تا روز آخر مبارک به طنطاوی سپرده است را زیر سوال بردند. اما این نگرانی را نباید به حساب اعتراض صاحبان سرمایه و دولتها و احزاب گوناگون و رنگ و وارنگشان به نظام موجود در مصر و به جنایت اخیر طنطاوی و ارتش دست پرورده سیا و پنتاگون دانست.

همه میدانند که طنطاوی ۱۲۰۰۰ فعال سیاسی در زندانهای خود دارد. دنیا میدانند که مردم مبارز و انقلابی مصر هر روز با به چالش کشیدن قوانین اضطراری ضد اعتصاب و تظاهرات در مقابل دادگاهها تجمع میکنند و سرنگونی حاکمان نظامی را فریاد میکنند. دنیا شاهد است که اعتراض به برگزاری دادگاه های نظامی، به بند و زنجیر کشیدن مدافعان حقوق برابر، دستگیری کارگران مدافع حق تشکل و اعتصاب، محکومیت های دراز مدت برای افسران شریف و انقلابی که در روزهای چماقداری مبارک خود را بین لمپنهای مبارک و میدان تحریر حائل کردند هر روز اوج بیشتری میگردد.

سرکوب در این ۹ ماه يك لحظه قطع نشده است. قوانین اضطراری را هم برای همین به اجرا گذاشته اند! طنطاوی را برای همین تربیت کرده اند. ارتش را برای همین مدافع مردم و انقلاب جا زدند. دوره انتقال آرام قدرت را برای همین علم کردند که مخالفین و انقلابیون را به جرم بر هم زدن آرامش بگیرند و ببندند و

شکنجه کنند و به رگبار ببندند و زیر چرخ های زرهپوش ها له کنند. اعتراض مدافعان نظم موجود تنها به این است که در شرایط امروز مصر و خارج از مصر کشتار سبانه مردم در مقابل دوربینها قمار بسیار خطرناکی است که سرمایه داری ظرفیت بازنده بودن در آن را ندارد.

اما به نظر می رسد حکومت نظامی ها پشتش به دیوار است و قدرت مانور ندارد. مانور چگونه و با چه کارت؟ ۹ ماه پس از سرنگونی مبارک و بروی کار آمدن حکومت نظامیان و امید اینکه "مردم تحریر را تخلیه میکنند و روز از نو روزی از نو!" نه فقط تحریر هر روز از معترضین پر تر میشود، کارگران، معلمین، دانشجویان، پزشکان و پرستاران خود را سازمان میدهند، خواسته های انقلاب را هرچند با تاخیر اما تبیین میکنند و از آنجا که هر مطالبه ای امروز با زیر پا گذاردن قانون منع اعتصاب و تظاهرات، کلیت قوانین اضطراری و فلسفه وجودی دوره انتقالی را به زیر سوال میکشد لاجرم و به خودی خود فضای جامعه را سیاسی میکنند، مطالبات سیاسی را به مسائل روز، مسائل امروز شهروندان تبدیل میکنند و در شرایط مصر، اجتناب ناپذیر مرکز ثقل نظام موجود - حکومت ژنرالها - را هدف میگیرند. مردم طالب سرنگونی حکومت نظامیان میشوند. مردم وزیر به پایین میکشند و وزیر تعیین میکنند و به موازات ایجاد و رشد سازمانها، شوراها و اتحادیه های کارگری و صنفی، بحث ضرورت سازماندهی اعتصاب عمومی هم بالا میگردد، اعتصاب عمومی ممکن و ممکن تر میشود و با خود ضرورت تعیین کننده وجود رهبری انقلابی را به صدر وظایف انقلاب میراند. و همه میدانند اعتصاب عمومی دیگر "مردم میخواهند، مردم مطالبه میکنند" نیست. اعتصاب عمومی "مردم حکم میکنند" است، "مردم تحمیل میکنند است!" اعتصاب عمومی آن وقت که کارگران تنها سه اتحادیه مستقل داشتند و مبارک گل سرسید دیکتاتورهای کاخ سفید را از تخت

به پایین کشید، طنطاوی دیگر سگ کیست؟ ارباب طنطاوی در آن سوی اقیانوس را هم به زیر خواهند کشید. اعتصاب عمومی از حرکت باز داشتن تولید و خدمات، از پشت بستن دستان ارتجاع و ضد انقلاب و حکومت سرمایه داران است. این نمایش یکجای قدرت و جایگاه واقعی طبقه کارگر مصر است.

مطالبه سیاسی این قدرت نمایی باید با آن متناسب باشد. تبیین این هدف و تحقق آن رهبری سیاسی می خواهد. اینک طنطاوی در پی موجی از اعتراض و تظاهرات و تحصن و اعتصاب در حال از دست دادن کنترل اوضاع از سر استیصال علناً دست به سلاح برده و روز روشن و جلوی دوربینها کشتار می کند و این قمار خطرناکی است چرا که از این پس دیگر گاردین های نظم موجود در مصر کارت "ارتش برادر ماست" را که ۹ ماه قبل ولو موقتاً نظامشان را از فروپاشی کامل نجات داد نمی توانند بازی کنند. طنطاوی ۳۲ میلیارد دلاری پنتاگون بخصوص بعد از رویدادهای یکشنبه در چشم ساده اندیش ترین های تحریر هم تفاوت چندانی با مبارک و قذافی و اسد و پاسدار و بسیج جمهوری اسلامی ندارد. امروز فقط دیوانگان و لمپن های سلفی و اخوان المسلمین مصر "زنده باد ارتش" را فریاد میکنند.

طنطاوی به قمار خطرناکی دست زده چرا که امروز جلب حمایت جهانی و فشار از پایین و سلب مشروعیت از حاکمان جنایتکار نظامی حاکم از هر دوره دیگری ساده تر و ممکن تر است. امروز هزاران نفر در خیابانهای نیویورک و واشنگتن و سیاتل کلیت نظامی را به چالش میکشند که موجودیت طنطاوی و سگ های هارش به آن وابسته است. سیاست خارجی آمریکا هرگز به این شکنندگی و بیچارگی نبوده است. جنبش انقلابی جهانی به زودی در آتن و استکهلم و پاریس و روم و ۱۰۰۰ شهر دیگر جهان هم همان خواسته هایی را فریاد خواهند کرد که کارگران قاهره. آن روز که انقلاب مصر دست به بسیج نیروی جهانی

انقلاب و در دفاع از زن و مرد انقلابی مصر بزند، غرب و کاخ سفید در راس آن، قدرتی برای حمایت از جنایات طنطاوی نخواهند داشت.

طنطاوی اینک رسماً و علناً کارت مذهب را بازی کرده است. تبلیغات و تهییجات تلویزیون رسمی مصر بر علیه قبطی های مصر باز کردن جعبه پاندورا است. ارباب قبلی طنطاوی و پیش از او سادات و ناصر هم از وجود يك اقلیت مذهبی مسیحی برای تنظیم و تعدیل رابطه خود با ارتجاع اسلامی و اسلام سیاسی بهره می بردند اما هیچکدام تا آنجا پیش نرفته بودند که در رسانه های رسمی دولتی تروریسم اسلامی را بر علیه میلیونها قبطی مصر صریحاً و بیشرمانه تهییج کنند. طنطاوی می توانست جعبه پاندورا را باز کند و به مرتجع ترین گرایش اجتماعی مصر، به لمپنیسم اسلامی چرخ سبز به آتش کشیدن و بمب گذاشتن و ترور قبطی ها را بدهد، اما کنترل این گرایش برای طنطاوی ساده نخواهد بود. حتی اگر از اخوان بگذریم، ضد انقلاب سلفی سودای قدرت حاکمه را در سر دارد.

این برای طنطاوی و رژیمش قمار بسیار خطرناکی است چرا که طنطاوی کل رژیمش را عملاً بر سر يك دوراهی قرار داده است. اگر کارگران، دانشجویان، مردم معترض به اعتراض خود ادامه بدهند یا باید حمام خون به راه انداخت، حمام خونی که رژیم مبارک و سادات را هم را رو سفید می کند و یا یگانهای نظامی را به پادگانها برگرداند. در آن صورت لمپن های سلفی و اخوان ۱۰ دقیقه هم در مقابل خشم انقلابی مردم خواهان نان و آزادی دوام نخواهند آورد. فقط تصور کنید که طنطاوی نیروهایش را به پادگانها برگرداند. اینک ماه هاست که معترضین به وضع موجود شعار مرگ بر حکومت نظامیان را بر سر هر کوچه و خیابان داده اند. تنها چیزی که بین این خواست و مردم انقلابی قرار دارد نفریهای زرهی و تیر بارهای ارتش طنطاوی است. واقعیت دیگر این است که پس از کشتارهای اخیر و عکس العمل

از صفحه ۱۰

مصر در مقابل دو راهی!

انقلابی مردم در هفته‌های اخیر وعزم جزم دفاع از خود و حتی تعرض متقابل و گوشمالی دادن مزدوران ارتشی و غیر ارتشی، در دانشگاه اسکندریه، کارگران متحصن بافندگی مگا در منوفیه یا تظاهرات تحریر و اخیرا تشییع جانبختگان تحریر در عباسیه عملا به طنطوای نشان دادند که علیرغم کشتار وحشیانه ۱۰ها نفر و زخمی کردن ۱۰۰ها نفر دیگر محاسباتش در باره میزان اراده انقلابی مردم مصر غلط بوده. امروز دیگر سازمان افسران انقلابی موجودیت خود را از سایت اینترنتی خود تبلیغ می‌کند و مستقلا دست به افشاگری از جنایت ارتش طنطوای می‌زند. امروز افسران انقلابی هم به خیل زندانیان سیاسی حاکمین مصر افزوده شده اند و عکسشان را مردم شریف دست بدست میگردانند و نامشان را فریاد میکنند و آزادیشان را از ارتشبد قاتل مطالبه میکنند.

اما این میدان بازیگر دیگری هم دارد.

۹ ماه پس از سرنگونی مبارک، جنبش انقلابی مصر هنوز باید خواسته‌ها و مطالبات انقلاب را تبیین کند. انقلاب مصر هنوز باید مشخص کند نان و آزادی یعنی چه و کی و چگونه و با چه نیرویی متحقق میشود. تبیین مطالبات انقلاب،

یا نه به آن به مفهوم پیروزی و شکست انقلاب نان و آزادی و کرامت انسانی است بسیج کرد و سازمان داد. این خواست را باید به میان مردم برد و آن راهپیمایی میلیونی زنان مصر را که روز ۸ مارس گذشته در میدان تحریر یک مشت لمپن و چاقو کش و متجاوز اسلامی سرکوب کردند، با یک میلیون زن و مرد شریف مصری از نو اجرا کرد!

امروز کارگران مصر برای اعتراض به وضع موجود در مقابل خود ستاد فرماندهی حاکمان نظامی دست به تظاهرات میزنند و با یگان‌های انتظامی ارتش همانجا، مقابل ورودی ستاد درگیر میشوند. کارگران انقلابی تجسم انقلاب نان و آزادی هستند و نان و آزادی میخواهند! نان و زندگی حق کارگر مصری است! برای نان، کارگر مصری هنوز پس از ۹ ماه از "پیروزی بزرگ" خون میدهد. کارگران مصر، تجسم انقلاب نان و آزادی، مبارک را به زیر نکشیدند که طنطوای اعتصاب و اعتراض و تحصن برای نان را غیر قانونی، جرم و قابل مجازات اعلام کند! اعتصاب و اعتراض حق کارگر است و تمام قوانین محدود کننده تشکل و اعتراض باید فوراً ملغی گردند. موجودیت کارگران و زحمتکشان مصر به این آزادی وابسته است. این آزادی مقدس‌ترین قوانین است. این را

باید در وسیع‌ترین سطوح در سراسر مصر، در هر محله و کارخانه و مدرسه تبلیغ و ترویج کرد. این اصلی‌ترین رگه یک فرهنگ انقلابی و یک جامعه انسانی و پیشرو است.

دستگاه تبلیغات طنطوای بدون هیچ تغییری همان دستگاه سخن پراکنی مبارک است. این دستگاه را ایجاد کرده اند که دروغ بگوید، فریب بدهد و وحشت و ترس و تمکین را اشاعه دهد. این دستگاه بی شرمی و وقاحت را تا بدانجا رسانیده است که اینک لمپنها و چاقوکشان اسلامی را بر علیه مردم معترض تحریک و بسیج کند. اگر چه مدیای اجتماعی با از بین بردن انحصار خبری به درجانی از کارایی این رسانه‌های دولتی مزدور میکاهند اما به دلیل فقر عمیق جامعه بخش بزرگی از آن هنوز به رسانه‌های گروهی وابسته است. تصفیه مدیای دولتی از فساد یکی از مهمترین وظایف انقلاب است. مدیریت تمام رسانه‌های دولتی باید فوراً به اتحادیه مستقل روزنامه نگاران منتقل گردد.

آزادی مطلق و بی قید و شرط تشکل و فعالیت سیاسی یکی از خواسته‌های همه انقلابات اجتماعی است. امروز در شرایط مصر یکی از اساسی‌ترین ملزومات پیشروی طبقه کارگر، مردان و زنان

زحمتکش، اکثریت قریب به اتفاق جامعه، ایجاد حزب رهبر انقلاب، حزب نماینده منافع طبقه کارگر، حزب بیانگر اهداف انقلاب، حزب مبلغ، مروج و سازمانده داخلی جامعه در امور اجتماع است. قوانین موجود را اختراع کرده اند که دست معترضین به نظم موجود و منادیان جامعه انسانی را در سازماندهی خود ببندند. الغای فوری تمامی قوانین محدود کننده فعالیت سیاسی، تشکیل حزب رهبر، حزب سوسیالیسم، حزب نماینده انسانیت و کرامت انسانی را تسریع می‌کند.

انقلاب مصر هرگز تنها نبوده است. کارگران و زحمتکشان و انسان‌های شریف در همه جا این انقلاب را انقلاب خودشان میدانند و سرنوشت خود را به سرنوشت انقلاب مصر گره میزنند. پیروزی انقلاب مصر به هر درجه در رسیدن به اهداف خود، انقلابات بعدی را تقویت می‌کند. ظرفیت عظیمی برای پشتیبانی از انقلاب مصر در سراسر جهان، از نیویورک تا استکهلم وجود دارد. کمونیستهای مصری واجد شرایط ترین نامزد سازماندهی و بکارگیری این نیروی عظیم مادی و نظری هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران با تمام قوا از انقلاب نان، آزادی و کرامت انسانی دفاع می‌کند.

زنده باد انقلاب مصر

زنده باد انترناسیونال کمونیستی

زنده باد سوسیالیسم*

جمهوری اسلامی را از نمایشگاه کتاب بیرون بیداریم!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران-

آلمان

۷ اکتبر ۲۰۱۱

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های زیر می توانید بگیرید:

۰۱۷۲-۶۳۸۴۰۷۹

۰۱۵۷-۷۴۶۵۰۱۸۶

آدرس محل نمایشگاه

Ausstellungs- und
Messe GmbH
Frankfurter
Buchmesse
Reineckstr. 3
60313 Frankfurt
am Main
Deutschland

انتشار آزادانه افکار و عقاید را و حشیانه سرکوب میکند، حق ندارد در چنین مجامعی حضور یابد.

ما از تاریخ ۱۲ تا ۱۶ اکتبر هر روز در محل حاضر شده و نمایشگاه کتاب را به صحنه افشاگری برعلیه جمهوری اسلامی تبدیل خواهیم کرد. از همه مردم آزاده و مخالفان جمهوری اسلامی نیز دعوت میکنیم با ما همراه شوند و با حضور خود در برابر غرفه جمهوری اسلامی، صدای اعتراض علیه حکومت وحشی اسلامی را به گوش دیگران برسانند.

دعوت از جمهوری اسلامی و در اختیار گذاشتن غرفه در نمایشگاه کتاب یک دهن کجی آشکار مسئولان و برگزار کنندگان این نمایشگاه به مبارزات مردم ایران برای رهایی از شر نکبت این حکومت است و از جانب هر انسان آزادیخواهی محکوم است.

رژیمی که کارش فقط سرکوب و اعدام و جنایت است، رژیمی که قلم ها را می شکند، وبلاگ نویسان و روزنامه نگاران را زندانی میکند، اعتراض بحق مردم و آزادی بیان و حق نشر و

شود. وزارت ارشاد جمهوری اسلامی به همراهی معاونتها و ریزنهای فرهنگی اش قرار است بساط جهل و خرافه مذهبی اش را در این نمایشگاه برپا کند.

از روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر نمایشگاه جهانی کتاب برای مدت یک هفته در محل دائمی نمایشگاهها در شهر فرانکفورت آلمان برگزار می





در تظاهرات جهانی ۱۵ اکتبر شرکت کنید: "۹۹ درصدی ها" برای تغییر جهان پیامبازند!

شنبه ۱۵ اکتبر در حدود هزار شهر در چهارگوشه جهان تظاهرات و اجتماعاتی علیه فلاکت ناشی از بحران سرمایه داری و در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولتها و حاکمیت بازار و بانکها و بورس برپا میگردد. این حرکتی شورانگیز، تاریخی و رادیکال است که توسط برگزار کنندگان خودجوش و بیشمارش، "جنبش ۹۹ درصدی ها"، "اتحاد جهانی برای تغییر"، "روز جهانی انقلاب" و غیره خوانده شده و قرار است حرکتی ادامه دار باشد.

بطور بلافاصل این حرکت در پی جنبش "اشغال وال استریت" در نیویورک شکل گرفت که چهار هفته پیش توسط جوانان برپاشد که علیرغم سکوت بیشرمانه میدیا و اقدامات خشن پلیسی گسترش یافت و به شهرهای دیگر آمریکا و برخی

نقاط جهان سرایت کرد. اما در واقع این حرکت ملهم از انقلابات مصر و تونس و جنبش های اعتراضی توده ای و انقلابی است که در یکی دو سال گذشته از ایران و اسرائیل تا یونان و اسپانیا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا را در نوردیده است. این بیک معنی ندای "ندا آقاسلطان" هاست که جهانی میشود. شعله آتش خشم امثال محمد بوعزیزی (جوان تونس) که خود را آتش زد) است که در شهرهای مختلف جهان زبانه میکشد. این سنت اشغال و بسط نشینی در میدان التحریر قاهره است که میروید به تصرف خیابانها و مراکز قدرت مالی و سیاسی در جهان تبدیل شود. در سطحی پایه ای تر اما این فریاد در گلو خفه شده یک میلیارد گرسنه در جهان است که طنین می اندازد. انعکاسی از وضعیت صدها میلیون

برای همیشه برچیده شود. این حرکت برای پیروزی و تغییر واقعی دنیا نمی تواند به مصالحه با سرمایه داران و بانکها و دولتهایشان امید ی ببندد و در برابر توهم "دمکراسی واقعی" و نظایر آن متوقف شود. امروز بیش از هر زمان دیگر واضح است که راه نجات واقعی و قطعی بشر خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری و برپایی جامعه نوینی است که تعالی هر فرد شرط تعالی همگان است.

ما با تمام قوا در این حرکت و جنبش جهانی شرکت میکنیم و سهم خود در تداوم، گسترش و به پیش راندن آن میکوشیم. بدینوسیله از همه مردم آزاده دعوت میکنیم تا فعالانه به این جنبش جهانی بپیوندند و همراه اعضا و واحدهای حزب کمونیست کارگری در تظاهرات ۱۵ اکتبر شرکت کنند.

تشکیلات خارج
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اکتبر ۲۰۱۱

بیکار و از هستی ساقط شدگانی است که افزایش تعداد و بالا رفتن نرخ خودکشی آنها هنوز به اندازه ای نیست که نرخ سود را بالا ببرد و مزاج بازار را خوش کند. این جلوه ای از اعتراض و خشم اکثریت عظیم بشر امروز است که هرچه بیشتر کار میکند و بر ثروت اربابانش می افزاید خود به فقر و مسکنت بیشتری رانده میشود. این حرکت میتواند سرآغاز جنبشی جهانی و انقلابی باشد که اعلام میکند دیگر استثمار و بردگی مزدی بس است. سلطه سرمایه داران و دزدها و مفتخورها و ژنرال ها و مالاها و شارلاتانها بر زندگی بشر قبول نیست. حاکمیت دروغ و جهل و خرافه و شکنجه و زندان و حکومت پلیسی باید تماما و

مالی ما چگونه کار میکنند؟ نانسی پلوسی، رهبر اقلیت دمکرات کنگره، با معترضان وال استریت در ابراز همدردی کرد و همه این جنبش عظیم را یک اعتراض به "بی احتیاطی عده ای در وال استریت" تقلیل داد. "جنبش اشغال وال استریت" در مقابل این ریاکاری جناح "چپ" بورژوازی آمریکا اعلام کرد که میدانند "وال استریت مالک هر دو حزب است." و همچنین اعلام کرد که میدانند برای رهایی، "کارگران به حزب خود احتیاج دارند." حزبی که بر پرچمش این جملات حک شده است: "کاپیتالیسم جنایت سازمان یافته است. کاپیتالیسم را لغو کنید!"*

از صفحه ۳ جنبش اشغال وال استریت!

"جنبش اشغال شیکاگو" هم که در شکل یک تحصن اعتراضی در مقابل بانک فدرال رزرو اعلام وجود کرده است، بر پرچم خود نوشته است: "این جا میدان التحریر ماست!" این یعنی چه؟ یعنی اینکه محافظ حاکم آمریکا و محافظ مصر تماما در صف ۱ درصد و مبارزین میدان تحریر و اشغال کنندگان وال استریت متحدا در صف ۹۹ درصد هستند.

"وال استریت مالک هر دو حزب است. کارگران به حزب خود احتیاج دارند"

جناح راست بورژوازی آمریکا،

از صفحه ۳ جنبش اشغال وال استریت!

شعارهای

جنبش اشغال وال استریت

کاپیتالیسم جنایت سازمان یافته است

این جامعه کار نمیکند، بیاید جامعه دیگری بسازیم

حرص کمپانیا مساوی است با فلاکت بشر

آیا من بشر هستم یا باید پول بیشتری بسازم؟

میلیونها زمانشان پایان یافته است

"مردم نه سود

نابرابری اجتماعی را متوقف کنید

تجاوز به بشریت را پایان دهید

کاپیتالیسم را لغو کنید

پلیس ابزار ثروتمندان است

جنگ با کارگران را متوقف کنید

یک درصد روی شانه های من ثروتمند شده است

افتخار میکنم بخشی از ۹۹ درصد هستم

ما بزرگتر از آن هستیم که شکست بخوریم

ما تسلیم نمیشویم

انقلاب غیر قابل اجتناب است، چرا همین حالا نه؟

انقلاب جهانی بزرگتر از آن است که شکست بخورد

وال استریت را به میدان تحریر تبدیل کنید

نیازهای انسانی، نه نیازهای کمپانیا

وال استریت مالک هر دو حزب است

کارگران به حزب خود احتیاج دارند

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

کمک مالی

به تلویزیون کانال جدید

آقای حمیدی ۶۰۰ دلار

نیما آزاده ۱۰۰ دلار

سعید صالحی نیا ۶۰۰ دلار

براداران اهواز ۱۰۰ دلار